

بالجمله محررات در سعادت پوسته خانه سته
تصوف جریده سی نامه کوندر لیدر.
قوطو نومرو سی ۱۴۳

شرائط اشترا

سنه لکی ممالک عثمانیه ایچون
۳۰ غروش ، مصر و ممالک اجنبیه
ایچون ۷ فراقدر .

تصوف

صاحب امتیاز و سر محرری
اورفه مبعوثی

شیخ صفوت

مرکز توزیمی باب عالی جاده سنده
جمعیت کتبخانه سیدر

نسخه سی ۲۰ پاره در

التصوف کله آداب : ابو حفص عمر بن مسلمه
عرفای امتک ، مقالات عارفانه لرینه تصوفک صحیفه لری آجیقدر

تصوفه متعلق مباحث شتادن باحث و مکارم اخلاق اسلامیتک تعمیه نه خادم مجله معنویه در

غنهمادر وصیت : ان الحق ثقیل وهو مع ثقله مرئى وان
الباطن خفیف وهو مع خفته وبئى وان الله تعالى حقاً
باللیل لا یقبله بالتهار وحقاً بالتهار لا یقبله باللیل وانك
لوعدت فی لناس کلهم وجرت علی واحد سال جورك
بعدلك .

سم نامه عزل شاهان بود

چودرد دل بی گناهان بود

مرد باید که درد رهای عشق غواصی کند اگر موج مهر
اورا بساحل لطف اندازد فقد فاز فوزاً عظیماً و اگر
نهنگ قهرش بقعرش فرو کشد فقد وقع اجره علی الله .
کسی بر تو زیان نکرد من هم نکنم . آن مردی در پی
اسرائیل سالها عبادت کرد حضرت لم یزل ولا یزال
خواست که خلوت اورا جلوت دهد ملکی را بفرستاد که
اورا بکوی که رنج مبر که شایسته نیستی و دوزخی خواهی
بود مرد بشیند گفت مرا باینک کار است خداوندی او
داند آفرشته بازگشت و گفت آنچه شنید حضرت جلال
احدیت جواب داد که چون او بالیشی خود بر نمیکرد
دمن با کریمی خود چگونه بر کردم

اذناخن ادلخا وانت امامنا

کفی لمطایانا بذکر الاحادیث

مابعدی دار



ادیات صوفیه

مظهر فیض ازلی نور علی حضرت تلمینک غزلاری
اوزرینه عارف ربانی عبدالرحمن طالبانی حضرت تلمینک
تخمیس بلیغ عارفانه لریدر .

سر خوش از عشق جلوه دلدار

میکشتم چومست در بازار

دیدم ازبام خانه خار

سر بر آورد آن بت عیار

بسته از زلف بر میان زنار

زد علم شاه عشق درامکان
شد هویدا بصورت انسان
وحدت او کماکان الآن
میزند دیدم بیام جهان
طلب الله واحد القهار

هست خود نور و کائنات چو فی

بود عالم جزا بود لا شی

بشنوازی صدای نغمه وی

خود شودنای و میدمد درنی

لیس فی الدار غیره دیار

خازن کنج و مخزن جبروت

در کنجش نهاد در ملکوت

از برای ظهور درنا سوت

خود شود کنج نامه لاهوت

تا شود کثر مخزن اسرار

شد فرو در لباس طیفوری

زدمم لیس فی بمستوری

شد نهان از کمال مشهوری

در پس برده های منصوری

خو انا الحق نواز داندردار

خود عیان در رخ بتان کردد

منظر چشم عاشقان کردد

خود بخالص فرو شد آن کردد

خود بنور علی عیان کردد

تا نماید بهر کسی دیدار



حکم صوفیه

هر فصل اولورسه اولسون بر مؤمن موحدی
استصغار ایتمک ایمان و معرفتک نشانه نقصانیدر .

ابوبکر ترمذی